

Jacobsen's reading of political and social statements in "saegheye ma setame aghniast" by Parvin Etesami

Abstract

The main purpose and problem of the present study is to study the moral and educational contexts of the poem "Our Lightning is the oppression of the rich" based on the principles of Jacobsen's theory of verbal communication. This research has been compiled with regard to descriptive-analytical method and library resources. The results of this study show that Parvin has shared a combination of ethics, socialism and political issues with her audience. Also, his call for justice and the creation of a good temperament to disrupt adverse conditions have been motivational uses. The role of empathy expresses Parvin's common pains with most members of society. The emotional role better reflects his poetic spirit and describes his inner world. The referential role reflects the existing realities, which are a mixture of the immorality of the ruling class and the deprivation of the lower classes. The literary role shows the power of Parvin's illustration to make the contradictions and confrontations in the society feel. Also, the deplorable conditions of the people are described through the use of metaphor and irony. According to the role of transliteration in this poem, Ramzi is the symbol of deprivation, Nowruz is the symbol of the world's discredit, and Ramzi's killing and salutation is the harmony between work and result.

Keywords: Parvin Etesami, poem "Our lightning is the oppression of the rich", Jacobsen, language, verbal communication, linguistic and multilingual roles, ethics.

خوانش یاکوبسنی گزاره‌های سیاسی و اجتماعی در قطعه‌ی «صاعقه‌ی ما ستم اغنیاست» از پروین اعتصامی

مریم خدادادی^۱

رجب فخرانیان^۲

محمد قادری مقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

چکیده

بررسی زمینه‌های اخلاقی قطعه «صاعقه ما ستم اغنیاست» بر اساس مبانی نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن، هدف و مسأله اصلی پژوهش حاضر است. این تحقیق با عنایت به روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که پروین ترکیبی از اخلاقیات، اجتماعیات و مسائل سیاسی را با مخاطبان خود به اشتراک گذاشته است. دعوت او به حق‌طلبی و تخلق به سلاح خوی نیک برای برهم‌زدن شرایط نامطلوب، از کاربردهای نقش ترغیبی بوده است. نقش همدلی بیانگر دردهای مشترک پروین با غالب اعضای جامعه است. نقش عاطفی، دنیای درونی‌اش را تشریح می‌کند. نقش ارجاعی، واقعیت‌های موجود را که آمیزه‌ای از بی‌اخلاقی‌های طبقه حاکم و محرومیت‌های فرودستان است، نشان می‌دهد. نقش ادبی مبین قدرت تصویرگری پروین برای محسوس جلوه دادن تضادها و تقابل‌های موجود در جامعه با کاربرست استعاره و کنایه است. بر اساس نقش فرازبانی در این شعر، خرقة رمزی از محرومیت، نوروز رمزی از بی‌اعتباری دنیا و کشتن و درودن رمزی از هماهنگی میان کار و نتیجه است.

واژگان کلیدی: پروین اعتصامی، قطعه «صاعقه ما ستم اغنیاست»، یاکوبسن، ارتباط کلامی، نقش‌های زبانی و فرازبانی.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران.

khodadadi.maryam5252@gmail.com

^۲ استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. مسئول مقاله Rf290@yahoo.com

^۳ استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد شیروان، دانشگاه آزاد اسلامی، شیروان، ایران. Mghaderim52@yahoo.com

تخلقی به موضوعات تعلیمی و اخلاقی، مسیر زندگی آدمی را با تغییرات شگفتی مواجه می‌سازد و به او در ساختن شخصیتی انسانی و کمال‌یافته یاری می‌دهد. بر اساس این پیش‌انگاره، جوامعی که به نهادینه‌سازی اخلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها توجه نشان می‌دهند، از ظرفیت‌های تمدن‌سازی افزون‌تری برخوردار هستند. یکی از بسترهای اصلی برای بازنمایی مسائل تعلیمی و انتقال آن به مخاطب، حوزه ادبیات است. آثاری که در قلب نثر و نظم در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرند، حاوی پیام‌های متنوعی هستند که از سوی فرستنده خلق شده و در اختیار گیرنده قرار می‌گیرند. تکنیک‌ها و شیوه‌هایی که ادیبان برای انعکاس اخلاقیات در آثار ادبی برمی‌گزینند، یکسان نیست و از گونه‌گونی برخوردار است، اما همه آنها در این هدف مشترک یعنی تعالی بخشی به نوع بشر مشترک هستند.

در دوران معاصر، بر مؤلفه‌های تولید پیام، مولد و گیرنده پیام، محتوای پیام و ... تأکید شده و نظریه‌های مختلفی درباره آن ابداع شده است. رومن یاکوبسن^۱ از جمله این شخصیت‌هاست که با خلق نظریه ارتباط کلامی^۲ سعی کرده است این فرآیند را قاعده‌مند کند. او باور دارد پیام از یک منبع صادر می‌شود و در اختیار یک منبع قرار می‌گیرد. در این بین، نقش‌هایی وجود دارند که در بطن این پیام گنجانده شده‌اند و مقاصد خالق پیام را محقق می‌سازند. به عبارت دیگر، با کاربست این نقش‌ها، محتوای پیام‌ها و به تبع، اغراض مستتر در آن متفاوت می‌شود و یک پیام به شیوه‌های گوناگون در اختیار مخاطب به عنوان سوئیچ دوم ارتباط کلامی قرار می‌گیرد.

یاکوبسن در نظریه خود بر کارکردهای فردی و اجتماعی زبان تأکید می‌کند و به تبیین ابعاد گوناگون آن می‌پردازد. در نتیجه، چندسونگری در این الگو باعث شده است تا یکی از کامل‌ترین و جامع‌ترین طرح‌ها در زمینه ارتباط کلامی باشد. در الگوی یاکوبسن، شش نقش زبانی در نظر گرفته شده است: ۱. ادبی^۳، ۲. عاطفی^۴، ۳. ترغیبی^۵، ۴. فرازبانی^۶، ۵. ارجاعی^۷، ۶. همدلی^۸. (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۱۸۵) با کاربست این نظریه امکان خوانش متون ادبی و اغراض خالقان آثار از پرداختن به مسائل مختلف از جمله موضوعات تعلیمی و اخلاقی فراهم می‌شود.

در میان شاعران معاصر که با پایبندی به قواعد عروض کلاسیک فارسی، آثاری خلق کرده‌اند، پروین اعتصامی چهره‌ای شاخص محسوب می‌شود. او با تکیه بر قدرت شاعرانگی، ذوق کم‌نظیر ادبی و نیز، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی به شعر سرایی روی آورد و بسیاری از دغدغه‌های خود را تشریح نمود. هدف و مسأله اصلی در این مقاله، پرداختن به کیفیت پیام‌های تولیدشده از جانب پروین اعتصامی در شعر مذکور است. بدین منظور، از نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن استفاده شده است تا نشان داده شود که شاعر برای بازنمایی آراء اخلاقی خود از چه شگردهای زبانی و فرازبانی استفاده کرده است.

سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از: الف) آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی در قطعه «صاعقه ما ستم اغنیاست» کدام است؟ ب) آموزه‌های اخلاقی در شعر مذکور با مسائل سیاسی و اجتماعی وقت چه ارتباطی دارد؟ ج) پروین اعتصامی در بازنمایی پیام‌های اخلاقی مورد نظر خود از چه تکنیک‌های

ارتباط کلامی استفاده کرده است؟) د) کاربست نظریهٔ یاکوبسن چه تأثیری در تحلیل آراء اخلاقی و تعلیمی شاعر داشته است؟

این تحقیق بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، منابع کتابخانه‌ای و مجلات معتبر پژوهشی مورد نظر بوده است. همچنین، جامعه آماری تحقیق، قطعهٔ «صاعقهٔ ما ستم اغنیاست» بوده و برای تحلیل نظرات پروین اعتصامی از نظریهٔ ارتباط کلامی رومن یاکوبسن استفاده شده است. ساختار کلی مقاله به این صورت است که ابتدا به ابعاد گوناگون نظریهٔ مذکور اشاره شده و در بخش اصلی، ذیل عناوین مختلف، تأثیر نقش‌های زبانی در انعکاس پیام‌های اخلاقی و تعلیمی در شعر مذکور، بررسی و کاویده شده است.

۲- پیشینهٔ تحقیق

پروین اعتصامی در میان شاعران کلاسیک‌سرای معاصر از جایگاه مهمی برخوردار است، به ویژه آنکه در فضای مردانهٔ شعر فارسی، زنی چون او به شیوایی شعر سروده و داشته‌های فکری خود را در خدمت تعالی جامعه به کار گرفته است. به این اعتبار، در پژوهش‌های بسیاری، مبانی فکری او به ویژه در حوزهٔ تعلیم و تربیت کاویده شده است. از این بین، قدسی (۱۳۸۲) در مقالهٔ «نگاهی دوباره به شعر پروین اعتصامی، صاعقهٔ ما ستم اغنیاست» به این نتیجه رسیده که قطعهٔ مذکور، از جمله سروده‌های شاعر در مبارزه با بی‌عدالتی‌ها است که در آن به محتوای حدیث «اغنیائهم یسرقون زاد الفقرا» اشاره می‌کند. پروین برخلاف سنت رایج در ادب فارسی، هیچ‌گاه ظلم اجتماعی را تقدیر خداوند نمی‌بیند و تلاش برای نابودی آن را توصیه می‌کند. چاوش‌اکبری تبریزی (۱۳۸۰) در کتاب حکیم بانوی شعر فارسی، زندگی و شعر پروین اعتصامی به مقولهٔ ستم‌ستیزی شاعر اشاره کرده است. شریف‌پور و مرجع‌زاده (۱۳۹۳) در مقالهٔ «بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی» به این نتیجه رسیده‌اند که ستم‌ستیزی، توجه به وضع محرومان و ستمدیده‌ها، توجه به زوال و ناپایداری جهان، توجه به مرگ و کوتاهی عمر و حس عدم امنیت، از جمله مصادیق روحیات پروین بوده است. نورایی و عزیزی (۱۳۹۴) در مقالهٔ «دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی با تکیه بر ساختار روایت و جایگاه روایت‌شنو در مناظرات پروین اعتصامی» به این نتیجه رسیده‌اند که در مناظرات پروین، گونهٔ روایت‌شنو از نوع روایت‌شنو بیرونی است و گاه به پنهان‌شنو تبدیل می‌شود. هدرس‌زاده و ارباب‌سلیمانی (۱۳۹۵) در مقالهٔ «زنانگی ادب تعلیمی، رهانندهٔ پروین از اضطراب تأثیر» به این نتیجه رسیده‌اند که وی با در نظر داشتن تحولات سیاسی و فکری روزگار خود، همهٔ راه شاعری را با شاعران متقدم- و البته مرد- نیموده است و بر اساس سبک شخصی خود، مبتکرانه رفتار کرده است. صدراپی (۱۳۹۵) در مقالهٔ «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری)» به این نتیجه رسیده است که شاعری چون پروین که به متون گذشته آگاهی دارد، از این دریای بی‌کران انوری صید تعلیم و اخلاق را از تور نقد اجتماعی بیرون می‌کشد و با تغییر شخصیت‌ها و تکنیک‌های خاص با جذابیتی تأثیرگذار بیان می‌دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون در هیچ پژوهشی ظرفیت‌های اخلاقی و تعلیمی اشعار پروین با رویکرد به نظریهٔ ارتباط کلامی یاکوبسن، کاویده نشده است. بنابراین، در تحقیق حاضر برای نخستین

بار به این خلأ پژوهشی پرداخته می‌شود. عناوینی که در این پژوهش برای بازنمایی آراء تعلیمی پروین به کار گرفته شده، با توجه به اینکه برآیند دیدگاه‌های ساختارگرای یاکوبسن است، مسبق به سابقه نیست. همچنین، سعی شده است بر پایه مبانی نظریه یاکوبسن، ارتباط میان اخلاقیات و مسائل اجتماعی-سیاسی و کارکرد نقش‌های زبانی در کیفیت تبیین آن بررسی شود. این کار در تحقیقات پیشین مغفول مانده و اشاره‌ای به آن نشده است.

۳- بیان مسئله

پروین در فضای مردانه شعر فارسی، جایگاه خود را استحکام بخشید و تحسین بسیاری از هم‌صنفان خود را برانگیخت. یکی از سویه‌های اصلی اشعار او، تبیین موضوعات اخلاقی و تعلیمی است که بر محوریت تولید پیام و انتقال آن به مخاطب می‌گردد. او با توجه به رسالت و خویشکاری ادبی که برای خود در نظر گرفته بود، شعر را ابزاری کارآمد و اثرگذار برای آگاه‌سازی مردم نسبت به مسائل مختلف می‌دانست و بر این پایه، با دقت و ژرف‌نگری خاصی به تولید پیام و انتقال آن به مخاطبان می‌پرداخت. شعرهای پروین به صورت هدفمند و حکیمانه برای گروه هدف سروده شده و با کاربری تکنیک‌های گوناگون در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. یکی از جهت‌گیری‌های فکری پروین در آیین اشعار، پرداختن به مسائل اخلاقی و تعلیمی است؛ زیرا او بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی را ناشی از بی‌توجهی به این مفاهیم کمال‌آفرین و معرفت‌افزا می‌داند. در نتیجه، دیوان او مشحون از پیام‌های اخلاقی و اندرزی است که برای ایجاد تحولات شناختی در مخاطب خلق شده‌اند. از جمله اشعار مهم پروین که با رویکردی انتقادی به تبیین آموزه‌های تعلیمی می‌پردازد، «صاعقه ما ستم اغنیاست» نام دارد. او در این اثر، اخلاقیات را با مسائل سیاسی و اجتماعی درآمیخته و ترکیبی شعورآفرین پدید آورده است. به عبارت دیگر، پروین با در نظر گرفتن شرایط سیاسی وقت، این شعر را سروده و در آن به بازنمایی مجموعه‌ای از آموزه‌ها پرداخته است.

۴- مبانی نظری تحقیق

در نظریه یاکوبسن بر این اصل تأکید می‌شود که اشتراک‌گذاری پیام با مخاطب نیازمند زمینه‌ای است تا بتوان در چهارچوب کلام آن را تبیین کرد تا در نهایت، مخاطب با آن ارتباط برقرار کند. به عبارت دیگر، وجود یک رمز یا نشانه روانی یا فیزیکی تقریباً مشترک میان گوینده و مخاطب در پیام ارسالی، عنصری مهم برای تحقق هدف اصلی یعنی ارتباط‌گیری کلامی است.

الگوی یاکوبسن در یک عبارت تعریف و خلاصه می‌شود: فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. (Sebeok, 1960: 353) بنابراین، ما با فرآیند دوسویه در امر ارتباط‌گیری مواجه هستیم. یعنی هم فرستنده و گیرنده در رسانایی پیام تولیدشده نقشی مهم دارند. یاکوبسن شش عنصر را در شکل‌گیری کنش ارتباطی مؤثر می‌داند که عبارتند از: فرستنده یا رمزگذار؛ گیرنده یا رمزگردان؛ رمز، پیام، موضوع و مجرای ارتباطی. بر مبنای این دسته‌بندی، می‌توان شش نقش زبانی (ادبی؛ عاطفی؛ ترغیبی؛ فرازبانی؛ رجایی؛ همدلی) را متصور بود که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

- **نقش ادبی:** هنگامی که مرجع پیام، خود پیام است و ارتباط پیامی به سوی پیام‌گرایش دارد، نقش یا کارکرد ادبی زبان برجسته و حائز اهمیت است. یاکوبسن از نقش ادبی زبان با عنوان نقش شعری یاد می‌کند. (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۴۰) بنابراین، هنگامی که این نقش در پیامی برجسته می‌شود، هدف‌گوینده، بازنمایی حس زیبایی‌شناسی خود و برانگیختن حس مخاطب است.

- **نقش عاطفی:** «این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص‌گوینده را به وجود می‌آورد». (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۱) منشأ صدور این نقش از فرستنده است و به آن تکیه دارد.

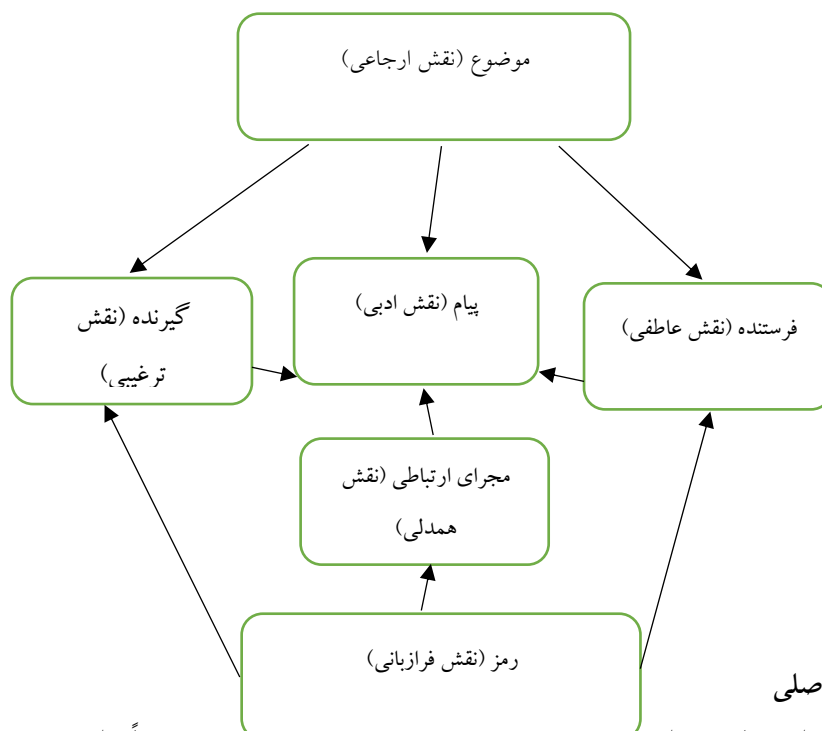
- **نقش ترغیبی:** می‌توان گفت هنگامی که هدف از کلام، جلب مشارکت‌گیرنده یا برانگیختن وی باشد، نقش انگیزشی یا ترغیبی زبان حقیقت می‌یابد. این کارکرد زبانی در تبلیغات نیز، نقش مهمی دارد. (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۱) و به صورت امری و ندایی بازگو می‌شود و قابل ارزش‌گذاری از طریق صدق و کذب نیست. (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۷۴) در واقع، یاکوبسن پیام‌هایی را که با هدف ایجاد واکنش و حرکت در گیرنده صورت می‌گیرد، کنشی می‌نامد.

- **نقش فرازبانی:** در این نقش، رموزها نمود پیدا می‌کنند که میان‌گوینده و مخاطب، مشترک هستند. در این نقش «زبان برای صحبت درباره‌ی خود زبان به کار برده می‌شود». (همان: ۷۵) نقش‌های فرازبانی به صورت قراردادی وضع می‌شوند و امکان تغییر و تحول در آنها به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و ... وجود دارد.

- **نقش ارجاعی:** مهم‌ترین نکته در این کارکرد زبانی، موضوع پیام و امکان بررسی صحت و سقم موضوع است. این نقش و اهمیت آن، سبب می‌گردد «گوینده، جمله را به صورتی کاملاً روشن و بدون استفاده از واژه‌های چندمعنایی به گونه‌ای ادا کند که امکان بروز ابهام در معانی جمله میسر نشود. این نقش در متون علمی از کارکرد بیشتری برخوردار است؛ زیرا در این نوع متون، هدف از انتقال پیام، انتقال معانی ارجاعی آن است». (رفیعی و صحرايي، ۱۳۹۲: ۲۲) نقش ارجاعی زبان را نقش توصیفی نیز، می‌نامند؛ چراکه «در فرهنگ‌های توصیفی بیشتر از آن استفاده می‌شود. مثل: عمو، یعنی برادر پدر. این نقش همان نقش ارجاعی یا ارتباطی است». (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۱: ۳۰)

- **نقش همدلی:** هدف از بازنمایی پیام در این نقش، ایجاد ارتباط، اطمینان از تداوم آن یا قطع آن است. مانند: الو صدایم را می‌شنوی؟ (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۷۵) زمانی که گوینده پیام سعی دارد گستره مخاطبان خود را بشناسد، از این نقش استفاده می‌کند. در این صورت، مشخص می‌شود که چه میزان از مخاطبان به سخنان او گوش می‌دهند. اگرچه در این نظریه سعی شده است مرزبندی اولیه‌ای میان نقش‌های زبانی انجام شود، اما همان‌طور که یاکوبسن بیان می‌کند، مطلق‌انگاری این مرزبندی نادرست است و نمی‌توان متن و پیامی را در نظر آورد که صرفاً بر اساس یک نقش زبانی بیان شده باشد. به عبارت دیگر، «گوناگون بودن کارکردهای یک پیام در این نیست که یکی از این چند کارکرد، نقشی انحصاری در آن پیام داشته باشد، بلکه در این است که ترتیب سلسله‌مراتب این کارکردها متفاوت باشد». (همان:

نمودار ۱. الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن



متن اصلی

پروین اعتصامی در اشعار خود، نوعی ضرر شعر را پیشگیری می‌کند و صرفاً برای تفنن و قدرت‌نمایی ادبی، شعر نمی‌سراید. در سراسر دیوان اشعار او می‌توان لایه‌ها و جهت‌های فکری مشخصی را مشاهده کرد. او پیام‌های متنوعی را می‌آفریند و در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد تا بر شعور و آگاهی آنان در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... بیفزاید و آنان را از شخصیت‌هایی منفعل و ایستا در جامعه به افرادی پویا و کنشگر بدل نماید. او برای تحقق این آرمان خود، شعرهای خود را به عرصه‌ای برای جولان کنش‌های ارتباطی بدل کرده و با تشخیص اینکه عدم توجه گروه هدف به اخلاقیات، موجب ناکامی‌های آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شده است، پیام‌هایی اخلاقی تولید می‌کند و مسائل معرفت‌افزای متنوعی را در کلیت دیوان خود، از جمله در قطعه «صاعقه» ما ستم اغنیاست» بازتاب می‌دهد. پروین در غالب سروده‌های خود، روحیه‌ای مردمی دارد و برای دفاع از حقوق تضییع‌شده مردم تلاش می‌کند. در این بخش، ذیل شش عنوان نقش‌های «ترغیبی، ارجاعی، همدلی، عاطفی، ادبی و فرازبانی» رویکردهای تعلیمی و اخلاقی پروین اعتصامی در قطعه مذکور بازکاوی شده است.

الف) نقش ترغیبی

هرگاه جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب باشد، نقش ترغیبی زبان تحقق می‌یابد. در حقیقت، در این نقش زبانی، فرآیند ارتباط‌گیری بر مخاطب متمرکز است که بارزترین نمونه آن، جمله‌های امری، ندایی و دعایی است. البته، بسیاری از جملات خبری که به قصد ترغیب بیان می‌شوند، جنبه ترغیبی دارند. جملائی از این دست، قابل تصدیق و تکذیب نیستند. (یاکوبسن، ۱۳۷۶: ۷۴)

در شعر پروین این نقش کارکرد ویژه‌ای دارد. «شعر او مجموعه‌ای است از توصیف‌ها، تشویق‌ها، اندرزها و نشان دادن سمت‌وسوی ذهنی خود به نفع مردم محروم». (بابایی، ۱۳۸۴، مقدمه: ۱۱) او سعی می‌کند مخاطبان خود را به انجام کار و تلاش دعوت کند و در این رابطه با استفاده از فعل‌های امری مانند: «کشت کن، دور کن، آموز و مخواه»، منظور خود را شرح می‌دهد. نقش ترغیبی در شعر پروین برای دعوت مخاطب به مبارزه با ایستایی و عدم تلاش و نیز، راستی‌آموزی است. ارج نهادن به راستی و ریاستیزی از پیام‌های مهم و محوری شعر پروین است. او خواهان نهادینه شدن این فضیلت است و مخاطبانش را از مردم‌فریبی، ریاکاری و زهدفروشی، برحذر می‌دارد. در ژرف‌ساخت این رویکرد می‌توان تقابل با فرهنگ جبرگرایی را مشاهده کرد. شاعر برای مخاطبان خود، باید‌ها و نباید‌هایی را تعیین می‌کند و بر اساس آن، توصیه‌هایی را در قالب شعر بازگو می‌کند. او این اندرزها را از زبان برزگری سالخورده در حق فرزندش بیان می‌کند و به این واسطه، واقعیت‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی عصر خویش را به تصویر می‌کشد. او با کاربرد جملات امری و پندگونه، از نقش ترغیبی و انگیزشی زبان بهره‌جسته است؛ چراکه در پی ارتباط با مخاطب خود و القای هرچه بهتر تعالیم و مفاهیم اخلاقی و اجتماعی است. «پروین به مظلومیت جهان بشریت می‌اندیشید و نژاد و کیش و ملیت برای او مطرح نیست. رنجبر از هر کجا که باشد و به هر زبانی که سخن گوید، در دید او قابل احترام و همدردی است». (چاوش‌اکبری تبریزی، ۱۳۸۰: ۷۶) بنابراین، دهقان (پروین)، فرزند خویش را (گروه هدف) که هنوز در نبرد زندگی، کارآزموده نشده است، از تن‌آسانی و فکر و خیال واهی برحذر می‌دارد و به کار و تلاش و بهره‌جستن از بازو و توان خود فرامی‌خواند؛ زیرا با برخورداری از عزم و همتی والا بهره عمل خویش را خواهد دید.

| | |
|-------------------------------|-----------------------------------|
| کِشت کن آنجا که نسیم و نمی‌ست | خرمی مزرعه ز آب و هواست ... |
| دور کن از دامن اندیشه دست | از پی مقصود برو تات پاسست |
| راستی آموز بسی جوفروش | هست در این کوی، که گندم‌نماست ... |
| نان خود از بازوی مردم مخواه | گر که تو را بازوی زورآزماست |

(اعتصامی، ۱۳۳۳)

(۱۷۲)

پروین با برتری دادن مخاطب بر دیگر عوامل ارتباطی، نقش ترغیبی را به عنوان نقش برتر مطرح می‌کند. آنچه اهمیت دارد، توجه فراوان او به آموزه‌های تعلیمی و حکمی و ترغیب و تشویق مخاطب بر انجام آن است. شاعر به توصیف طبقه حاکم بر مردم دردمند می‌پردازد و کنش‌های ضد اخلاقی آنان را بازنمایی می‌کند. این رفتارها برآیندی جز بروز بیچارگی و رنج در جامعه نداشته و مردم را به اضمحلال کشانیده است. او باور دارد که فرزندان شاهان در رفاه و آرامش هستند، ولی مردم عادی از

تأمین نیازهای اولیه زندگی خود عاجز هستند. در ژرف‌ساخت این سخن، دعوت مردم به خیزش در برابر ستم به خوبی دیده می‌شود. او با انعکاس محرومیت‌ها و طرح سؤالاتی، سطح فکری و رفتاری مردم را به چالش می‌کشد و آنها را برای برهم‌زدن شرایط نامطلوب کنونی ترغیب می‌کند.

پیشه آنان همه آرام و خواب
از چه شهان مُلک‌ستانی کنند
قسمت ما درد و غم و ابتلاست ...
از چه به یک کلبه تو را اکتفاست
پای من از چیست که بی‌موزه است؟
در تن تو جامه خُلقان چراست؟
(همان:)

(۱۷۳)

ب) نقش ارجاعی

در این نقش، واقعیت‌هایی که قابل لمس هستند و در عالم خارج مابه‌ازا دارند، تشریح می‌شوند. «وقتی از موضوعی قابل درک سخن می‌گوییم و قصدمان انتقال مفاهیم خاص به مخاطب است، با نقش ارجاعی زبان مواجه‌ایم، به این معنا که همه عناصر و اجزای یک جمله جهت تبیین و توضیح مورد بحث، ترکیب می‌شوند و شنونده را به این موضوع اصلی ارجاع می‌دهند». (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

جملات خبری که قابل صدق و کذب باشند، از نقش ارجاعی برخوردارند. (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۲)

در شعر پروین، واقعیت‌های زندگی مردم که برآیند مسائل سیاسی و اجتماعی است، به خوبی دیده می‌شود. او در سروده مذکور، دنیای اطراف خود را با همه کاستی‌ها و محرومیت‌هایش به تصویر می‌کشد. البته، او در انجام این کار خلاقیت ادبی خود را به کار می‌گیرد و «با طرح کلیات اخلاقی و بیان فقر و محرومیت و نیازهای شدید عاطفی به ویژه در نسل جوان به نوعی برداشت اجتماعی - اخلاقی بسنده کرده است». (یاحق، ۱۳۸۵: ۱۷۳) بنابراین، آمیزه‌ای از اخلاقیات و دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی شاعر در شعر مذکور دیده می‌شود.

زین همه گتج و زر و مُلک جهان
همچو منی، زاده شاهنشهی است
آنچه که ماراست، همین بوریاست
لیک دو صد وصله، مرا بر قباست ...
چند شود بارکش این و آن
زارع بدبخت، مگر چارپاست؟!
(اعتصامی، ۱۳۳۳:)

(۱۷۳)

پروین با لحنی کوبنده و تند به تزویر کارگزاران حکومتی، مجریان قانون، عادلان دین‌پرور و «حاکم شرعی که بهر رشوه فتوی می‌دهد»، اشاره می‌کند؛ زیرا این جماعت نابکار به هیچ روی پروای دین و شرع ندارند که این خود، نشان از بی‌تقوایی و عدم شایستگی عاملان حکومت و وجود فساد و بی‌عدالتی حاکم بر مراجع قضایی و حکومتی است. «پیداست که [پروین] نیل به کمال مرتبه انسانی را بدون رهایی از بی‌عدالتی اجتماعی ممکن نمی‌داند». (زرین‌کوب، ۱۳۷۳: ۳۷۰) او با بیان ابیاتی تعریض‌آمیز و دردآلود، نوک نیشتر را بر نقطه اوج درد می‌نهد تا غم و حسرتی عمیق از ظلم و جور

حاکم بر اجتماع را نمایان سازد و به مفاهیم اخلاقی و انسانی، ارزش و اعتلایی جاودانه ببخشد. او قصد دارد فرهنگ ظلم‌ستیزی را در گفتمان روزمره مخاطبان خود نهادینه کند تا آنها قادر به تغییر شرایط نامطلوب کنونی شوند. پروین در انتقاد از حاکمیت زورمدار، علاوه بر حکومت و قاضیان، زهدفروشان سالوس‌پیشه و شریعت‌پناهان دروغین را نیز مورد طعن و تعریض قرار داده و کوبنده‌ترین تازش‌ها را به این گروه دارد؛ چراکه همچون لاشه‌خوارانی در پی بهره‌جویی و استثمار محرومان و دردمندان جامعه هستند. بازنمایی بی‌اخلاقی‌های آنان، به این معناست که پروین با نگاهی تیزبینانه و مبتنی بر واقعیت، ریشه تلخ‌کامی‌های مردم را صاحب‌منصبان فاسد و بی‌اخلاق می‌داند. در نتیجه، رسوا کردن منش اهریمنی آنان و مقاومت در برابرشان را سرلوحه آموزه‌های اندرزی خویش قرار می‌دهد.

رشوه نه ما را که به قاضی دهیم خدمت این قوم به روی و ریاست ...
آنکه سحر حامی شرع است و دین اشک یتیمان گه شب غذاست
(اعتصامی، ۱۳۳۳)

(۱۷۴)

ج) نقش همدلی

زمانی که جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی معطوف شود، کارکرد زبان، همدلانه خواهد بود. یاکوبسن عقیده دارد «هدف برخی از پیام‌ها این است که ارتباط برقرار کنند و موجب ادامه ارتباط شوند یا ارتباط را قطع کنند. برخی دیگر عمدتاً برای حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است. مانند: "الو صدایم را می‌شنوی؟" یا "فهمیدی چه گفتم؟"». (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۲)

نوع دوستی و مهرورزی از مؤلفه‌های انسان‌دوستانه تعلیمی است که منجر به ایجاد ارتباطی همدلانه با مخاطب می‌شود. حاصل این رویکرد، به‌کارگیری لحنی عتابی و انتقادی نسبت به ستمگران و زهدفروشان سیه‌دل است. او در لفافه و غیرمستقیم، محرومان و رنجیدگان را به ایستادگی و مقاومت در برابر حاکمان جور و حق‌ستانی از آنان دعوت می‌کند. «بدون شک، این همدردی که او را با تجربه محنت مرد رنجبر، کودک یتیم و برزگر فقیر، آشنا نشان می‌دهد، حاکی از عمق احساس انسانی و اخلاقی است». (درودیان، ۱۳۸۲، مقدمه: ۳۴) آنچه اهمیت می‌یابد بیان این نکته است که «شکل‌گیری اتحاد و همدلی، نیازمند توجه و تمرکز بر فضائل اخلاقی و ارزش‌هایی است که شالوده نگرش انسان‌دوستانه را بین افراد فراهم نموده و آنان را برای روابط صلح‌جویانه متعهد می‌گرداند». (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۳۳) پروین در این راستا از زبان برزگر فرتوت بیان می‌کند که با تلاش می‌توان خرمن زندگی را پربرکت کرد و به سرمنزل مقصود رسید، اما فرزند معتقد است که سدی عظیم در برابر تحقق این هدف وجود دارد و آن، فراگیری و بسط ظلم ثروتمندان است. ظلمی که نتیجه‌ای جز تنگ‌تر شدن جیره فقیران و افزایش فاصله طبقاتی و کیفیت زندگی نداشته است. «اشعار سیاسی پروین در مجموع، فاقد ویژگی و تعیین زمانی است ... پروین در این دسته اشعارش از مسائلی سخن می‌گوید که در تاریخ حیات اقوام مطرح بوده است و چهره‌هایی را برای بیان اموری از قبیل: ستم، اجحاف، طمع به مال خلق و بی‌اعتنایی به سرنوشت مردم جامعه برمی‌گزیند که همه‌جایی و همه‌گاهی‌اند». (حمیدیان، ۱۳۷۳: ۵۸)

بنابراین، پروین فارغ از مرزبندی‌های معمول، با همه نیازمندان و مظلومان ابراز همدردی می‌کند و این همدردی در جریان گفتگوی میان دهقان و فرزندش نمودار می‌شود.

برزگری پند به فرزند داد کای پسر، این پیشه پس از من تورا ست ...
 سعی کن ای کودک مهد امید سعی تو بنا و سعادت بناست ...
 گفت چنین کای پدر نیک‌رای صاعقه ما ستم اغنیاست
 (اعتصامی، ۱۳۳۳: ۱۷۳-)

(۱۷۲)

پروین در شعرهایش «غالباً از من دیگر برتر، والاتر، من عمومی، نوعی، بشری، فوق بشری سخن می‌گوید، نه از من شخصی و خصوصی خود». (اخوان‌ثالث، ۱۳۸۸: ۱۷۰) بنابراین، جامعه و اعضای آن، سوبه‌ای بنیادین در این قطعه است. او همه دردهای شخصی خود را کنار می‌نهد و به فراموشی می‌سپرد و تنها درد مشترک خود با مردم را فریاد می‌زند. او فهرستی از محرومیت‌های اجتماعی را انعکاس می‌دهد و با بیانی طعنه‌آمیز، در پی آشکار نمودن نابرابری‌ها و شکاف‌های عمیق اجتماعی میان قشر فرادست و فرودست روزگار خویش است.

پیش که مظلوم برد داوری فکر بزرگان همه از و هوی ست ...
 خوابگاه آن را که سمور و خز است کی غم سرمای زمستان ماست؟
 (اعتصامی، ۱۳۳۳:)

(۱۷۴)

د) نقش عاطفی

این نقش، زبان حال گوینده و بیانگر احساس درونی او به موضوعی است که درباره آن سخن می‌گوید. «این احساس عاطفی می‌تواند واقعی باشد یا این چنین وانمود شود». (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۲۶۳) در این کارکرد، جهت‌گیری پیام به سوی گوینده است. «یاکوبسن معتقد است که نقش صرفاً عاطفی زبان، در حروف ندا تظاهر می‌یابد. مانند: ای وای! یا در اصواتی مانند: نیچ‌نیچ و جز آن. این همان نقشی است که مارتینه آن را با اندکی گسترش، حدیث نفس می‌نامد». (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۱)

نقش عاطفی به مثابه جریانی سیال در سراسر شعر پروین دیده می‌شود. او در غالب بیت‌ها احساسات خود را که عمدتاً مبتنی بر حسرت و دریغ است، بازگو می‌کند. شاعر از اینکه شاهد فقر و در یوزگی مردم است و زندگی آنها را فاقد شأن و کیفیت لازم می‌بیند، به غایت اندوهگین و متأثر می‌شود و این حس درونی را در غالب بیت‌ها منعکس می‌کند. بنابراین، می‌توان این شعر را دارای بار اخلاقی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر عنصر عاطفه به حساب آورد. «تنها اندوه پروین از دیدن وضع پریشان طبقات ستم‌کشیده، از ملاحظه ناهمواری‌های اجتماع، از مشاهده ستمی که بر تیره‌بختان و زیردستان می‌رفت، بود». (جلالی، ۱۳۷۲: ۱۶۹) از این‌رو، با حسرتی عمیق و جانکاه، زحمات دهقانان را بریاد

رفته می‌دانست. او باور داشت که کار و تلاش اقشار زحمتکش جامعه از سوی نهادهای قدرت به یغما می‌رفت.

حاصل ما را دگران می‌برند
از غم باران و گل و برف و سیل
سفره ما از خورش و نان، تهی است
گه نبود روغن و گاهی چراغ
زحمت ما رحمت بی‌مدعاست
قامت دهقان به جوانی دوتاست
در ده ما بس شکم ناشتاست
خانه ما کی همه شب روشناست؟!
(اعتصامی، ۱۳۳۳)

(۱۷۳)

پروین با بیان جملات استفهامی و انتقادگونه، افزون بر ترغیب غیرمستقیم مخاطب به دادخواهی، خیزش و انقلاب، بر ظلم و بیدادگری قدرت مطلقه و جائران روزگار می‌تازد. در دوره حاکمیت استبداد، به سبب غلبه فضا و منش استدلال‌گریزی و عقلانیت‌ستیزی، شاعر در پی طرح اندیشه فلک‌گریزی است تا بتواند تفکر جبرگرایی را از اذهان بزداید. به همین سبب، در پی برانگیختن خواننده برای احقاق حقوق خویش است. او عقیده دارد که با بهره‌جویی از نیروی خرد و تدبیر می‌توان دست سرنوشت و زمانه دون‌پرور را درهم شکست و تنها راه رهایی رنجبران از شرایط خفقان‌آلود حاکم بر جامعه را خیزش و انقلاب علیه حاکمان بیداد و خودکامه می‌داند. «پروین بدبینی شدیدی نسبت به حکومت و مقامات آن داشت. برخورد وی با حکومت و نهادهای آن همیشه انتقادی [بوده] است. این نگاه گاهی چنان شدید می‌شود که کج‌روی‌های اجتماعی و انحرافات آن را در اصل نه از افراد بزهکار، بلکه ناشی از عمل حکومت، مقامات، فساد و تباهی رایج در دستگاه‌های آن می‌داند». (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۳) در واقع، پروین به عنوان شاعری متعهد و رسالت‌مدار، همواره در پی آگاهی مردم روزگار خویش از ظلم زمامداران و جریان‌های حاکم بر جامعه و افشای باطل و حق‌پوشی آنان بوده است.

کار ضعیفان ز چه بی‌رونی است
خون فقیران ز چه رو بی‌بهاست؟!
عدل چه افتاد که منسوخ شد
رحمت و انصاف چرا کیمیاست؟
(اعتصامی، ۱۳۳۳)

(۱۷۳)

گشت حق کارگران پایمال
بر صفت غله که در آسیاست
(همان)

(۱۷۴)

ه) نقش ادبی

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سمت خود پیام است. این کارکرد زبانی پیونددهنده زبان و ادبیات است که با بهره‌گیری از آن، یعنی کاربرد علوم بلاغی و زیبایی‌شناسی، می‌توان بر تأثیرگذاری سخن افزود. «در کارکرد ادبی زبان، به ساختمان صوری زبان، توجه بیشتری می‌شود» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۸)

و شاعر از این طریق، مفاهیم خود را با نگاهی زیبایی‌شناسانه بازتاب می‌دهد. در حقیقت، گوینده به دلایل مختلف مانند: تأثیر بیشتر کلام خود، نشان دادن فصاحت، بلاغت و در نتیجه، برتری معنوی خویش، کسب شخصیت و مقام، برانگیختن تحسین و تمجید دیگران و غیره، به آراستن کلام خود می‌پردازد و سخن خویش را به گونه‌ای آهنگین می‌آراید و حتی گاه بدون آنکه به معنی توجهی داشته باشد، فقط ظاهر سخن را تزئین می‌کند. (باقری، ۱۳۷۳: ۱۰۵)

در شعر پروین، صنایع لفظی و معنوی در خدمت آراستن محتوای کلام قرار دارند. او سعی می‌کند از برخی آرایه‌ها برای برجسته‌کردن سخن خود بهره بجوید تا در نهایت اغراض خود را در شرایط مطلوب‌تری با گروه هدف در میان بگذارد. به عبارت دیگر، پروین صنایع ادبی را برای انعکاس بهتر رویکردهای انتقادی خود به کار می‌گیرد. او از کنایهٔ زودیاب «خون خوردن» استفاده می‌کند تا رنج‌های بی‌پایان طبقات فرودست جامعه را نشان دهد. همچنین، او با بیانی استعاری و چندلایه کودکانی را که در حال رشد و شکوفایی هستند، به مثابه دانه‌هایی می‌داند که در آغوش خاک بالنده می‌شوند و ثمر می‌دهند. در ژرف‌ساخت این صورت‌های خیالی، نوعی ظلم‌ستیزی خفی دیده می‌شود.

| | |
|------------------------------|----------------------------------|
| مدت ما جمله به محنت گذشت | نوبت خون خوردن و رنج شماست ... |
| دانه چو طفلی است در آغوش خاک | روز و شب، این طفل به نشو و نماست |

(اعتصامی، ۱۳۳۳: ۱۷۲)

(۱۷۲)

پروین معتقد است قبل از انجام هر کاری باید کسب تجربه نمود؛ چراکه اگر سعی و عمل کسی با تجربه‌اندوزی همراه گردد، نه تنها خردمندانه زیستن را در پی دارد، بلکه سبب رستگاری و نیک‌بختی خواهد شد. او برای تبیین این آموزهٔ اخلاقی از تمثیل «صاعقه در موسم خرمن بلاست» استفاده می‌کند تا منظور خود را بهتر در اختیار مخاطب قرار دهد. تمثیل بر اعتبار و کیفیت سخن می‌افزاید و به لحاظ محتوایی آن را غنی‌تر می‌کند. «هرگاه تمثیل در امتداد کلام قرار گیرد یا آنکه تمثیل جایگزین سخن گردد و از صورت‌اعلی به صورت‌مثل درآید، آن را شکوهی شایسته فراگیرد و فضیلتی والا به دست آورد که بر مقدار آن بیفزاید». (جرجانی، ۱۹۹۱م: ۹۲) پروین نیز، از ظرفیت‌های ارتباطی تمثیل آگاه است و برای نشان دادن شرایط نامناسب جامعه و شرایط زیستی مردم، آن را به کار می‌برد. اژدها در بیت ذیل، نماد و استعاره‌ای از حاکمان وقت است که روزی مردم و حق آنان را به زور می‌ستانند و در نهایت، جانشان را تباه می‌کنند. شاعر با این تمثیل، نماد و استعاره، ماهیت حکام را به خوبی آشکار کرده است.

| | |
|---------------------------|------------------------------|
| تجربه می‌بایدت اول نه کار | صاعقه در موسم خرمن بلاست ... |
| قوت به خوناب جگر می‌خوریم | روزی ما در دهن اژدهاست |

(پروین، ۱۳۳۳: ۱۷۳)

(و) نقش فرازبانی

یاکوبسن عقیده دارد هرگاه گوینده و مخاطب بر سر استفاده از رمز به توافق برسند، سوگیری پیام به سوی رمز خواهد بود که معمولاً در تمامی زبان‌ها، از این نوع نقش به فرازبانی تعبیر می‌شود. سازه مرکزی این نقش، رمز است که در حوزه زبانی، مربوط به واژگان، اصطلاحات و غیره است که توضیحاتی درباره آن داده می‌شود. (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۴)

پروین در بیت ذیل از نوروز به عنوان رمز و نماد استفاده کرده است. البته نوعی خلاف آمد در نگاه شاعر دیده می‌شود. نوروز نمود و مصداقی از سرسبزی، پویایی و نوزایی است و امید را به همراه دارد، اما پروین با عادت‌گریزی آگاهانه، نوروز را رمزی از ناپایداری و عاریتی بودن روزگار می‌داند؛ زیرا خزان پیش از نوروز قرار دارد. با عنایت به سویه‌های سیاسی و اجتماعی این قطعه می‌توان خزان را رمزی از حاکمیت و نوروز را رمزی از شرایط مطلوب زندگی دانست. شاعر با کاربست این رمز، بیان می‌دارد همان‌طور که جمع نوروز و خزان ناشدنی است، توافق مردم با حاکمیت نیز، امری محال به نظر می‌رسد.

دولت نوروز نیاید بسیی حمله و تاراج خزان در قفاست
(اعتصامی، ۱۳۳۳:)

(۱۷۲)

رویکرد تعلیمی بیت ذیل، بیانگر فرجام‌شناسی و ارائه این حقیقت است که انسان شاهد نتیجه و فرجام کار خود خواهد بود و در نهایت، به عقوبت عملش می‌رسد؛ زیرا میان اجزای جهان هستی، رابطه‌ای علی و معلولی برقرار است و برای هر کرده و عملی باید مزد و پاداشی را انتظار داشت. با توجه به بافت سیاسی و اجتماعی شعر، پروین قصد دارد این موضوع را انعکاس دهد که در به وجود آمدن شرایط کنونی، مردم مقصد هستند و برداشت امروز حاصل کاشت دیروز است. این مفهوم با ذکر نشانه‌هایی چون: کشتن، درودن، بد، نیک، کوه و صدا در بیت بازنمایی شده است.

هرچه کنی کشت، همان بدروی کار بد و نیک چو کوه و صداست
(همان:)

(۱۷۲)

پروین ابتدا به ترکیب «خرقه درویش» اشاره می‌کند و در مصراع بعدی منظور خود را از به‌کارگیری آن بیان می‌دارد. او لحاف و عبا را به عنوان توضیحی برای خرقة ذکر می‌کند تا یادآور شود که سطح زندگی مردم به قدری دچار افت شده است که از خرقة ژنده و مندرس خود علاوه بر پوشش برای کارهای دیگر هم استفاده می‌کنند. بنابراین، خرقة، لحاف و عبا در این بیت به عنوان رمزهای مشترک میان گوینده و شنونده به حساب می‌آیند. رمزهایی که کمبودهای اجتماعی و فقر زیستی مردم را انعکاس می‌دهد و روایت می‌کند.

گاه لحاف است و زمانی عباس است
(همان:

(۱۷۳

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نقش‌های زبانی ذیل شش عنوان «ترغیبی، ارجاعی، همدلی، عاطفی، زبانی و فرازبانی» در شعر مذکور بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که اخلاقیات در این شعر با عنایت به مسائل اجتماعی و سیاسی تبیین شده‌اند و بر اساس رخداد‌های جامعه شکل گرفته‌اند. پروین از نقش ترغیبی برای دعوت مردم به اصلاح کنش‌هایشان استفاده کرده است. او از مخاطبان خود خواسته است در برابر ستم و جور زمانه ایستادگی نشان دهند و برای رسیدن به نیک‌انجامی، خود را به سلاح اخلاق و خودباوری مجهز کنند تا بتوانند حق خویش را از جباران بستانند. نقش ارجاعی در این شعر، دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی شاعر را نشان می‌دهد. او واقعیت‌های محیطی را که در آن زندگی می‌کند، از زاویه نگرش خود شرح می‌دهد. در این شعر، واقعیت‌های عینی و محسوس در نگاهی کلی، چیرگی ظالم بر مظلوم است. نقش همدلی بیانگر درد مشترک پروین با مردم ستمدیده است. گویی او زبان مردمی شده است که در سختی و رنج دست و پا می‌زنند و با انواع بی‌اخلاقی‌ها از جانب حاکمیت مواجه می‌شوند. نقش عاطفی، دنیای درونی پروین را که متعلق به مردم است، بازنمایی می‌کند. او بر کیفیت زندگی اطرافیان خود دریغ و حسرت می‌خورد و بر پیر بی‌جان و کم‌رمق انسانیت در جامعه به سوگ می‌نشیند. نقش ادبی هم، مفاهیم مورد نظر شاعر را برجسته‌تر کرده است. او استعاره، کنایه و تضاد را به خدمت می‌گیرد تا شکاف طبقاتی موجود در جامعه، خوی حیوانی حاکمان و شرایط نامطلوب مردم را شرح دهد. نقش فرازبانی هم بیانگر این مهم است که پروین با به‌کارگیری رمز «نوروز» به مقوله ناپایداری روزگار اشاره کرده است. همچنین، رمز «خرقه» فهرستی از کمبودهای زیستی را به یاد مخاطب می‌آورد و رمز «کشتن و درودن» بیانگر قصورات مردم برای به وجود آمدن شرایط نابسامان فعلی است. در مجموع، پروین عامل بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی را نبود اخلاقیات می‌داند.

پی‌نوشت‌ها

- 1) Roman Jakobson
- 2) communicative action
- 3) Poetic function
- 4) Conative function
- 5) Emotive function
- 6) Conative function
- 7) Metalinguistic function
- 8) Referential function

الف) کتاب

- اعتصامی، پروین، (۱۳۳۳)، *دیوان*، به کوشش ابوالفتح اعتصامی، چاپ چهارم، تهران: مطبعة مجلس.
- بابایی، محمدتقی، (۱۳۸۴)، *دیوان پروین اعتصامی*، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- باقری، مهری، (۱۳۷۳)، *مقالات زبان‌شناسی*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۹۹۱م)، *اسرارالبلاغه*، تعلیقات از محمود محمدشاکر، قاهره: مطبعه‌المدنی.
- جلالی، بهروز، (۱۳۷۲)، *جاودانه زیستن*، در اوج ماندن، تهران: مروارید.
- چاوش‌اکبری، رحیم، (۱۳۸۰)، *حکیم بانوی شعر فارسی، زندگی و شعر پروین اعتصامی*، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- درودیان، ولی‌الله، (۱۳۸۲)، *دیوان پروین اعتصامی*، بر اساس طبع ابوالفتح اعتصامی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- رفیعی، عادل و صحرائی، رضا، (۱۳۹۲)، *زبان فارسی، زبان علم*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۳)، *با کاروان حله*، چاپ هشتم، تهران: علمی.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۰)، *از زبان‌شناسی به ادبیات*، تهران: سوره مهر.
- علوی‌مقدم، مهیار، (۱۳۷۷)، *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*، تهران: سمت.
- گیرو، پیر، (۱۳۸۰)، *نشانه‌شناسی*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.
- محمدی، احسان، (۱۳۸۰)، *گفتگوی تمدن‌ها*، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
- مکاریک، ایرنما، (۱۳۸۵)، *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۵)، *جویبار لحظه‌ها*، چاپ هشتم، تهران: جامی.
- یاکوبسن، رومن، (۱۳۷۶)، *روندهای بنیادین در دانش زبان*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.
- _____، (۱۳۸۰)، *زبان‌شناسی و شعرشناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.

- Sebeok, T. A. (1960), *Style in language*, Oxford: John Wiley.

ب) مقالات

- احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، «سیاست، حکومت و عدالت در شعر پروین اعتصامی»، *مجله پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۳۷-۵۴.
- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۸۸)، «شعر غیرشخصی»، *معجزه پروین؛ زندگی، نقد و تحلیل و گزیده اشعار پروین اعتصامی*، به کوشش مجید قدمیاری، تهران: سخن، صص ۱۷۱-۱۷۰.
- حمیدیان، سعید، (۱۳۷۳)، «نقد پروین»، *مجله زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۵ و ۴، صص ۵۵-۸۶.
- شریف پور، عنایت‌الله و مرجع‌زاده، سعیده، (۱۳۹۳)، «بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۶۵-۹۶.
- صادقی، لیلا، (۱۳۸۹)، «نقش‌های سکوت ارتباطی در خوانش متون ادبیات داستانی»، *مجله پژوهش ادبیات فارسی*، شماره ۱۹، صص ۱۸۷-۲۱۱.
- صدرایی، رقیه، (۱۳۹۵)، «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری)»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۱۷۰-۱۵۳.
- قدسی، عابس، (۱۳۸۲)، «نگاهی دوباره به شعر پروین اعتصامی، صاعقه ما ستم اغنیاست»، *مجله سوره اندیشه*، شماره ۵، صص ۴۷-۵۳.
- مدرس‌زاده، عبدالرضا و ارباب‌سلیمانی، صدیقه، (۱۳۹۵)، «زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۹۱-۱۲۰.
- نورایی، الیاس و عزیزی، لیدا، (۱۳۹۴)، «دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی (با تکیه بر ساختار روایت و جایگاه روایت‌شنو در مناظرات پروین اعتصامی)»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۲۱۱-۱۸۵.
- وحیدیان‌کامیار، تقی، (۱۳۸۱)، «کشف یک واقعیت درباره نقش‌های زبان»، *مجموعه مقالات*، مشهد: سخن‌گستر، صص ۲۸-۳۷.